

آتشی که اتحاد و همدلی را دوچندان کرد



اما من اشرف مخلوقات؟! به راحتی یک آب خوردن همه جنبش و خیزش و کوشش طبیعت را بر باد فنا می‌دهیم.
و در پایان از تمام مسئولان، نهادها، ارگان‌ها، نیروهای ارتش، سپاه، بسیج، انتظامی، فعالان و دستداران محیط‌زیست، حامیان طبیعت، سمن‌های محیط‌زیستی، آحاد مردم، آتش نشانی، منابع طبیعی، محیط زیست و خصوصاً به صورت ویژه از جوامع محلی تشکر و قدردانی می‌کنم.

علی قاسم‌پور



می‌شود باز به انتظار باران نشست می‌شود باز رویش جوانه‌ها را از دل خاک دید اما پنج قرن یا بیشتر باید زمان بگذرد تا باز هم جنگل، جنگلی بشود که باید باشد، به این سادگی نیست که امروز بسوزانیم و فردا برویانیم. همیشه گفته‌اند ویرانی خیلی ساده است اما آبادانی سخت و طاقت فرساست.
خیلی بناها و کاخ‌ها که عمر بشر به پایش ریخته شده تا برپا گردد به چشم بر هم زدنی فرومی‌ریزد. کاخ زیبای طبیعت هم از این قاعده مستثنی نیست طبیعت هزاران سال در خود پیچیده و با خود درآمیخته تا اینچنین زایشی کند

بی‌پروا به شعله‌ها حمله می‌کرد و آتش را تار و مار می‌کرد. اکثر اوقات با پاک‌سازی طبیعت مخالفم هرچند که ناچار این کار را انجام می‌دهم اما همیشه معتقدم که پاک‌سازی باید از اندیشه و رفتار ما صورت بگیرد شاید آن روز چه در شهر و روستا و طبیعت هیچ کس به خودش اجازه ندهد زباله‌ای را روی زمین بیندازد و یا در طبیعت رها کند. همین کار را باید با آتش انجام داد. شاید کسی دیگر به خودش اجازه آتش زدن بوته‌ای را ندهد، چه برسد به جنگل.
قضیه به اینجا ختم نمی‌شود؛ واقعاً چه فکر شوم و اندیشه ناپاکی در پشت پرده این آتش‌سوزی‌های سریالی قرار دارد که اینجا باید انتظامی و اطلاعاتی و قضایی وارد عمل شوند.

مگر می‌شود این حجم آتش‌سوزی‌ها...؟

جای سؤال دارد و یک خواهش از مقامات قضایی؛ لطفاً با مسبب این حرکات شدیداً برخورد شود.
نتیجه سهل‌انگاری و یا خودخواهی و حتی بی‌خردی‌های ما که دانسته و ندانسته دست به تخریب منابع طبیعی می‌زنیم چیزی نیست جز بر باد دادن یک سرمایه عظیم.
ثروتی که خیلی از شهرها و شاید کشورهای دیگر حسرت داشتن بخش کوچکی از آن را دارند. ما هنوز قدر این نعمت خدادادی را نمی‌دانیم.
در پیشگاه وجدان خویش چه جوابی برای نسل‌های آینده داریم؟ آیا ما امانت‌داران خوبی بودیم؟ و هزار سؤال دیگر...
دوست خوب و طبیعت دوستم محمود پولادی که با قلمش حامی طبیعت و محیط‌زیست است در دل نوشته زیباش نوشت:
می‌شود باز بدر بلوط کاشت

فواصل چندروزه مناطق مختلف کوه سرخ، بلیان کوه مست، چکک، سرمشهد، برج دلیر خشت، بکک جروق، باغدشت بالاده، پیرمهلت، نودان، گنج‌های، سمغان، کمارج، جره و بالاده، تنگ شیب، حتی تپه قاضی شاه و سید محمد کوهمره و... با امکانات کم و تلاش فراوان مهار شد.
اگر سه درصد گرمای شدید هوا باعث آتش‌سوزی بشود، ۹۷ درصد از خطای انسانی است که به جرأت می‌توان اعلام کرد کمتر از هفت درصد آن غیرعمد و مابقی عمدی و غرض‌ورزانه است. چه هدف و چه خواسته‌ای در پشت این جنایت‌های داعش‌گونه قرار دارد که جنگل و درختان و جانوران قربانیان این جهل و نبود عاطفه می‌شوند؟
درخت بلوط، بادام، بنه، کبک‌های سوخته، لاک‌پشت، سنجاب و... موجودات و مخلوقات خداوند باید در آتش نادانی انسان بسوزند.

مردم به یاری مسئولان آمدند، با جان‌ودل همراه شدند اگر هدف از ایجاد این آتش‌سوزی‌ها تضعیف سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی است و ایجاد تفرقه، زهی خیال باطل این آرزو را شما و تمام دشمنان ایران با خودشان به گور خواهند برد.
همین عاشقان و دستداران و حامیان طبیعت در کنار جوامع کوشا و کار بلد محلی به یاری مسئولان آمدند و آتش را مهار کردند.
هنوز صدای خسته و دودگرفته آن جوان روستایی در گوشم طنین‌انداز است: «تمام درختان برایم بارزش‌اند بلوط نباشد ما نیز نخواهیم بود.»
آن جوان نه کفش مناسبی داشت نه لباس ایمن. خودش بود، یک قمقمه آب و یک چغیبه و یک شاخه درخت بادام که بهترین آتش‌کوب است با همین حداقل امکانات ده برابر من و دوستان دیگر با شعله‌ها می‌جنگید.

درختان تشنه بودند و خاک تشنه‌تر، لطف خداوند این بار هم زمین تشنه را سیراب کرد. چشمه جوشید و دل مردم دوباره شاد شد. رودخانه شاهپور جان دوباره‌ای گرفت و مردم با دلی شاد به استقبال چشمه‌های خروشان رفتند. هرچند میزان بارندگی‌ها بالا بود هم‌وطنان دیگرمان نیز دچار بلایای طبیعی و سیل شدند؛ اما زاگرس در این میان با کوه‌ها و دشت‌هایش سبزتر از همیشه جلوه‌گری کرد.
باران‌های خوب پوشش گیاهی منطقه را بیشتر و بلندتر از سال‌های قبل کرده و این تهدیدی جدی و خطرناک برای جنگل‌های مملو از بلوط و بنه و بادام بود. پس از ماه دوم بهار علف‌های بلند و خشک خطر آتش‌سوزی‌های گسترده و بعضاً غیرقابل مهار را دوچندان می‌کرد. با کمک دستداران محیط‌زیست و همیاران طبیعت و سمن‌های محیط‌زیستی و جوامع محلی و مسئولان مربوطه جلسات و کارگروه‌های آموزش اطفای حریق تشکیل شد. واقعاً همه دوستان خصوصاً دو دستدار واقعی محیط‌زیست سید محسن موسوی و پیمان خوبکار با جان‌ودل پای کار بودند، به مردم آگاهی و آموزش اطفای حریق در مراتع و جنگل داده شد و فرهنگ‌سازی‌ها انجام شد.
متأسفانه اولین آتش‌سوزی در مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۹ در منطقه تنگ ابوالحیات شروع شد.
تلافاصله در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۰ همچنان به صورت سریالی در

